

آرایه‌ها و نگاره‌های مرتبط با
چشم‌زخم در دستبافته‌های
اقوام ایرانی



جام چهل بسم‌الله، مأخذ: موزه
آستان قدس رضوی



آرایه‌ها و نگاره‌های مرتبط با چشم‌زخم در دستبافته‌های اقوام ایرانی

عفت‌السادات افضل طوسی * مونس سنجی **

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۲/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۱/۱۵

چکیده

چشم‌زخم از باورهای قدیمی و رایج در جهان و از جمله جهان اسلام است؛ هرچند امروزه این باور کم‌رنگ شده، ولی هنوز به‌عنوان باوری عامیانه برجای مانده است. در این پژوهش رد پای این اعتقاد و اهمیت آن در هنر مردم عامی و دستبافته‌ها به‌عنوان محمل این عقیده مورد مطالعه قرار گرفته و سیر استحاله آن در نقوش مربوط تا دوران معاصر بررسی می‌شود. هدف از این تحقیق نشان دادن تأثیر اعتقادات در هنر مردمی به‌ویژه دستبافته‌های روستایی است. این تحقیق به روش تطبیقی و تحلیلی با جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی کوشیده تا به اشکال رایج در بیان تجسمی چشم‌زخم دست یابد. مطابق یافته‌های این تحقیق، میان نقشمایه‌های تعویذ چشم‌زخم در دستبافته‌ها با شکل چشم رابطه معناداری وجود دارد. در نتیجه اشکال مثلثی و دایره مرکزی از اشکال بصری مشترک در میان آرایه و نگاره‌های چشم‌زخم است.

واژگان کلیدی

چشم‌زخم، نقوش تعویذی، فرش ترکمن، فرش سیستان، فرش و گلیم ترکیه.

Email: afzaltousi@hotmail.com

* استادیار دانشکده هنر دانشگاه الزهراء، شهر تهران، استان تهران (مسئول مکاتبات)

Email: sanji.mones@yahoo.com

** کارشناسی ارشد دانشکده هنر دانشگاه الزهراء، شهر تهران، استان تهران

مقدمه

چشم‌زخم^۱ در فرهنگ عامه آزار یا گزند است که فرد از نگاه کسی دیگر (دشمن یا حسود) می‌بیند. کسی را که گمان می‌رود چشمش تأثیر بد دارد بدچشم، شورچشم، چشم‌رسان، و فعل او را چشم‌زدن، چشم رسانیدن و نظر زدن می‌نامند. برای دوری و محافظت فرد در برابر چشم‌زخم، از تعویذ و دعا و اشیایی مانند خر مهره، سپند، ضَماد، نظر قربانی یا تخم مرغ شکستن استفاده می‌کنند و عبارت «چشم بد دور»، «بنامیزد» یا نظایر آن را در تفأل به کار می‌برند. گاهی «وَ اِنْ يَكَادُ» یا «بِسْمِ اللّٰهِ» از گردن فرد آویزان می‌کنند که خود به مثابه نوعی جرز و تعویذ است.

در مورد شخص صدمه‌دیده نیز می‌گویند چشم خورده، نظرش زده‌اند، چشم دارد و یا چشمش کرده‌اند. این باور حتی در بعضی به حدی شدید است که اگر کسی زخمی بردارد چنانچه آن آسیب بیضی‌شکل باشد می‌گویند این شکل چشم است و این آسیب بر اثر چشم‌زخم اتفاق افتاده است.

با توجه به اهمیت اعتقادات مربوط به چشم‌زخم در میان اقوام مختلف، و تقویت آن در دیدگاه‌های اسلامی در مسئله این تحقیق شناخت این تأثیر و یافتن رد پای باور به چشم‌زخم در هنرها و دست ساخته‌های مردمی است.

از اهداف این پژوهش آنست که در جهت شناخت فرهنگ عامیانه و با توجه به گستردگی باور به چشم‌زخم و ریشه آن در فرهنگ و اعتقادات دینی، نمود تجسمی و نگاره‌های مرتبط با آن معرفی و بررسی شود.

پرسش پژوهش آن است که با توجه به گستره اعتقادات در مورد چشم‌زخم جلوه تجسمی آن کدام است؟ از این رو، با توجه به آنکه دستبافته‌های اقوام و عشایر محل ثبت و ضبط باورهای کهن و باورهای مردمی است و در طی زمان کمتر دستخوش تغییرات و تحولات هنر نو قرار گرفته است، در جستجوی نقوش و آرایه‌های چشم‌زخم مورد مطالعه قرار گرفت.

فرضیه‌های این بررسی آن است که نقوش دستبافته‌ها قدیمی‌ترین محل ثبت و ضبط نماد تجسمی چشم‌زخم است. همچنین به نظر می‌رسد نماد تجسمی چشم‌زخم تابع شکل چشم و دارای ویژگی مرکزیت است.

این تحقیق به روش تطبیقی و تحلیلی با جمع آوری اطلاعات در رابطه با اعتقادات نظری و اسناد و اشیا در دسترس و شناخته شده مربوط به چشم‌زخم در میان اقوام مختلف از منابع کتابخانه‌ای و در یک مورد مشاهده میدانی (در روستای دشت‌زری چهارمحال بختیاری) ارائه شده و شکل بصری آنها مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفت تا به اصولی ثابت در بیان تجسمی چشم‌زخم دست یابیم.

پیشینه تحقیق

در تحقیقات انجام شده، چشم‌زخم به‌عنوان بخشی از فرهنگ



تصویر ۱. دانه‌های اسفند رشته‌ای، آویز برای خانه، ماخذ: نگارندگان



تصویر ۲. عقیق باباقوری، ماخذ: همان

عامیانه مورد بررسی قرار گرفته است، از جمله در مقاله‌ای با عنوان «چشم‌زخم در باور فرهنگ ایرانیان» از ژیلاد بزرگی. در حوزه اعتقادات دینی نیز مقاله‌ای در مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث آمده که در مقاله حاضر نیز مورد استفاده قرار است. این پژوهش ضمن بیان این اعتقاد در میان مردم، جلوه‌های تجسمی چشم‌زخم را در هنر اقوام با توجه به اندک مدارک در دسترس بررسی می‌کند که در این زمینه پژوهشی مشاهده نشد.

تاریخچه باور به چشم‌زخم

برای درک روشن‌تر از باور به چشم، می‌توان به اهمیت آن در زبان فارسی استناد جست. در فرهنگ فارسی ترکیب‌های متنوعی از این عنوان دیده می‌شود. از جمله در فرهنگ معین چنین آمده است:

چشم پنام: تعویذی که جهت دفع چشم‌زخم نویسند.
چشم خوردن: چشم‌زخم خوردن، هدف چشم بد شدن.
چشم رسیدن: نظر خوردن، چشم‌زخم خوردن.
چشم رسیده: کسی که چشم‌زخم به او رسیده.

موسوم به ناسانا را به دامها می‌زدند و وردی را زیر لب آهسته می‌خواندند. این وجه اشتراک اعتقادی در بین ایرانیان و هندیان باستان قدمت تاریخی ریشه‌های این اعتقاد را بیش‌تر مشخص می‌سازد» (ده بزرگی، ۱۳۸۱: ۴۶۰).

در اکثر جوامع و تمدن‌های کهن می‌توان به این اعتقاد عامه پی‌برد. در دومین دوران مهم تمدن مصر که دوران پادشاهی میانه (۱۷۸۳ - ۲۰۴۰ ق.م) نامیده می‌شود، تابوت بزرگان و فرعون به صندوقچه‌های ماوراءالطبیعی تبدیل شد که با طرح‌های مربوط به کفن و دفن خطاب به آنویس و اوزیریس و تعویذهایی به نام «چشمان هوروس» کالاهای زینتی، جیره غذایی، صدها ورد مکتوب و نقشه‌های جهان زیرین تزیین و همراهی می‌شد و همه این‌ها به منظور خنثی کردن نیروهای آشوب و تقویت روحیه صاحب آن تارسیدن به همراهان خدای خورشید طراحی شده بود (هارت، ۱۳۷۷: ۵۶).

بسیاری از اقوام از جمله عرب‌ها و چینی‌ها و حبشی‌ها به چشم‌زخم باور داشته و حیوانات و کودکان را بیش‌تر مستعد چشم‌زخم می‌انگاشتند. به همین خاطر از تعویذها و حرزها (بازوبند) برای دفع چشم‌زخم استفاده می‌کردند (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰).

در ترکیه، زن و شوهری با وجود تفکرات غربی، خرمهره‌ای را برای دفع چشم‌زخم به قندان نوزادشان وصل می‌کنند. هرچند منشأ این‌گونه بلاگردان‌ها فراموش شده، اما کاربردشان همچنان پابرجاست. اتومیلی را که به‌تازگی خریداری شده به خون مرغ یا گوسفندی قربانی‌شده می‌آلیند. حتی در مراسم افتتاح مغازه یا شرکتی جدید جانوری را برای خوش اقبالی ذبح می‌کنند (هال، ۱۳۷۷: ۶۹). همچنین در ترکیه اهالی برخی دهکده‌ها آیات قرآن بر سر در منازل نقش می‌کنند تا از چشم بد در امان باشند.

در مقاله‌ای با عنوان «چشم‌زخم در هنر ایتالیایی» آمده است که اعتقاد به چشم‌زخم نه در طول قرون وسطی و نه در طول دوره رنسانس کم نشد، و حتی اکنون در بسیاری از قسمت‌های ایتالیا هیچ‌کس به پرسش درباره توانایی jettatore برای صدمه زدن با یک نگاه گذرا فکر نمی‌کند. این خرافات کاملاً در سرتاسر ایتالیا عمومیت داشته، نه تنها میان روستاییان بلکه حتی در میان طبقه تحصیل‌کرده نیز چنین بود. عصری که به معابد معجزه‌گر اتکا می‌کردند، که تلویحاً به اهریمن و حقیقت دیدها اعتقاد داشتند، همچنان اسیر چنین پندار قدیمی است. حتی کلیسا شکل‌های مختلف افسون و استفاده از طلسم را به رسمیت شناخت، ولی آن‌ها را اگرچه خرافاتی مشهور و در تضاد با اعتقاد حقیقی مسیحیت بودند مگر با شرم آور بودن محکوم می‌کرد (callisen, 1937: 450).

چشم‌زخم در فرهنگ ایران باستان

در فرهنگ ایران باستان شورچشمی به‌عنوان پدیده‌ای اهریمنی دانسته شده و مجازات‌هایی هم برای افراد



تصویر ۳. نعل اسب (فلزی)، ماخذ: همان



تصویر ۴. آویختن مهره رنگی، ماخذ: همان

چشم‌زخم: آسیبی که از چشم بد به کسی رسد. چشم زد: ۱- مهره سیاه و سفید که برای دفع چشم‌زخم به گردن کودک آویزند. ۲- کنایه از زمان بسیار کم. چشم زدن: ۱- چشم‌زخم خوردن. ۲- کنایه از بیدار بودن. چشم‌شور: چشمی که از آن چشم‌زخم به کسی یا چیزی برسد.

چشم فسا: چشم فساینده، کسی که افسون چشم‌زخم کند» (معین، ۱۳۵۴: ۱۲۹۰).

اعتقاد به چشم‌زخم در فرهنگ ملل و اقوام متعدد دیده می‌شود که در ذیل این مطلب به مواردی برشمرده می‌شود. «در بیوه‌های هند، هنگامی که مادری کودک خود را در آغوش می‌گرفت یا بر پشت خود حمل می‌کرد، خالی رنگین برای دفع چشم‌زخم مابین دو ابروی آن زن می‌گذارند. وقتی که راه دوری را در پیش می‌گرفت تا به روستای دیگر یا به بازار برود، مقداری سنگریزه به گوشه لباس ژنده آن زن می‌بستند، زیرا آن‌ها معتقد بودند که زندگانی از بدی‌ها و ناخوشی‌ها احاطه شده است و تمام این ناخوشی‌ها از عامل‌های فوق‌الطبیعه و ارواحی غیبی سرچشمه می‌گیرد که در اطراف زمین متفرق‌اند. به نظر آنان چشم‌زخم هم‌چون بسیاری از ارواح خبیث دیگر در وجود آدمیان وارد می‌شود و باید افراد را از شر آن‌ها محافظت کرد تا آدمیان بتوانند به راحتی زندگانی کنند. در همین قبیله افراد باید برای نگه‌داشت دام‌های خود از چشم‌زخم ترکه‌ای



از راست به چپ، تصویر ۵. تعویذ به شکل لاک پشت، برنز، اواخر هزاره دوم پ م، تصویر ۶. تعویذ به شکل مار، برنز، اوایل هزاره اول پ م، تصویر ۷. تعویذ به شکل سرگاو، برنز، اوایل هزاره اول پ م. مأخذ: تناولی، ۱۳۸۵.



تصویر ۸. چشم خشک‌شده گوسفند. مأخذ: www.yasdesign.blogfa.com



تصویر ۹. نظر قربانی، نقره و عقیق، اوایل قرن ۲۰ م. مأخذ: تناولی، ۱۳۸۵.



تصویر ۱۰. چهل کلید، مفرغ، قرن ۱۸، ۱۷ م. مأخذ: همان

و نگهدار زندگان که مورد ستایش بود و تصویر او بر گردن زنان و بر فرمان اربابها و دسته دشنه‌ها در نزد زنده گان و در گورها دیده می‌شود، او خدایی نبود که تنها ستایش شود و نتوانند بر گل کمر و اشیای عادی به کار برند، بلکه طلسمی در برابر بیماری و چشم‌زخم بود (گدار، ۱۳۵۸: ۲۶).

چشم‌زخم در اسلام و منابع اسلامی
در تمدن اسلامی با توجه به آیات قرآن مجید در سوره قلم آیه

شورچشم و بدچشم در نظر گرفته شده است. «در اندرز دستوران به بهدینان، سه گروه از مردم هستند که اندر گیتی ایشان را روزی نبخشیده‌اند و به ستم از گیتی همی‌ستانند و خورند و گروه سوم را دش چشم (بدچشم، شورچشم) گفته، «سه دیگر دش چشم آن بود که از نیکی کسان او را دشخواری بود. سرخ (یا شور) چشمان را آن‌گونه پیداست که هرکس چنین بود به، به تن و چیز خویش است و بد، به آن کسان (تن و چیز کسان)» در بندش از جمله دیوهای که یاد شده آگاش^۱ یا ایغاش^۲ دیو شورچشمی است که مردم را به چشم می‌زند.

«یکی از دشمنان زرتشت به نام (دورسرو) - از کرپانهای دشمن زرتشت - به هنگام گستاخی زرتشت در بیرون ریختن شیری که قرار بود بر آن دعا بخواند، خشمگین شد و به زرتشت گفت، بر تو چشم بد اندازم. زرتشت در جواب او همین پاسخ را داد. آن روحانی جادوگر بر اثر دعای زرتشت بی‌هوش شد و فروافتاد و دردی او را گرفت و سرانجام مرد و همه فرزندان او منقطع شدند» (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰).

«دریشت ۱۴ (بهرام یشت)، بندهای (۳۵ و ۳۶) نیز سیمرغ فرخ‌بال، مرغ مرغان خوانده می‌شود و از جانب اهورمزدا به زرتشت توصیه می‌گردد که پری از آن را بر تن مالد و آن را تعویذ خود کند و نیز به او گفته می‌شود که اگر استخوان‌ها یا پره‌های این مرغ نیرومند را با خود داشته باشد هیچ‌کس نخواهد توانست او را از پای درآورد. برای سایر موارد در فرهنگ ایران باستان در مورد شورچشمی می‌توان به یشت‌ها، بندهای ۱۵، ۱۱، ۸، ۳ و فرکرد ۷ و نندیداد و کتاب بندش و دیگر ترجمه‌های پهلوی مراجعه کرد» (اسلامی نوشن، ۱۳۷۲: ۵۲).

براساس مکتوبات قدیمی، که بیش‌تر با متون متأخر دینی آیینی زرتشت انطباق دارد، به ایزدان و دیوانی اشاره می‌شود که در تقابل با یکدیگر هستند. دیوان و دروجان در فرهنگ و باور ایرانیان باستانی همان نمایندگان اهریمنی و اعمال بد بودند.

انسان پیوسته برای مراقبت و محافظت از جان و اموال خود، دارای دغدغه و اضطراب‌خاطر بود و چه بسا شیوه زندگی کشاورزی و دامداری عدم امنیت نسبی که این شیوه معیشتی به همراه داشت بر نگرانی‌ها می‌افزود. از این رو گرفتاری در چنگال هریک از دیوان، به‌ویژه دیو چشم‌زخم و شورچشمی، می‌توانست ضرر بسیاری در پی داشته باشد. به منظور چاره‌جویی و رفع خطر، با تقدیم فدیهای مناسب و به‌موقع برای ایزدان، استفاده از طلسم‌های بازدارنده و یا تناول برخی از خوراکی‌ها در روزهای معینی از سال در محافظت از خود و اموالش کوشش می‌کرد (ده بزرگی، ۱۳۸۱: ۴۵۸).

با آنکه مشخصاً در آثار به‌جامانده از ایران باستان نقشی را به‌عنوان طلسم چشم‌زخم نمی‌شناسیم، آندره گدار معتقد است گیلگمش پهلوان نیرومند و شاه شکارچیان افسانه‌ای و قهرمان و نگهدارنده مغلوب‌کننده دیوان و زنده‌کننده مردگان

۵۱ اشاره صریحی به چشم‌زخم وجود دارد و اغلب مفسران همان شأن نزول را برای آن یاد کرده‌اند. بعضی از معتزله چشم‌زخم را بی‌پایه می‌دانند. اخوان‌الصفاء، ابن‌سینا، غزالی، امام‌فخر رازی، ملاصدرا و بسیاری دیگر از حکما و محققان برای آن حقیقت قائل بوده‌اند، حتی فیلسوف خردگرایی چون ابن‌خلدون - که با عرفان و فلسفه نیز مفاشات نمی‌کند - صحت چشم‌زخم را قبول دارد و نمونه‌هایی از آن را نقل می‌کند.

در رسائل اخوان‌الصفاء، رساله مستقلی تحت عنوان «در ماهیت سحر و عزائم و عین» (چشم‌زخم) آمده است. نویسنده این فصل در توجیه مفصلی از چشم‌زخم (الاصابة بالعین) می‌گوید بسیاری از چشم‌زنندگان را دیدیم که در کمتر از ساعتی انسان را با چشم‌زدن از پای درمی‌آورند. نیز می‌گوید، از پیامبر (ص) روایت شده که، «السحر حق و العین حق». «سحر و چشم‌زدن حقیقت دارد» (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۱).

معروف است که دشمنان پیامبر اسلام (ص) یکی از چشم‌زنان قهار طایفه بنی‌اسد را برای چشم‌زدن و از پای درآوردن رسول اکرم (ص) استخدام کردند، ولی به حفظ الهی او نتوانست کاری از پیش ببرد. در تفسیر عاملی در شأن نزول این آیه چنین آمده است که این آیه برای آن بود که کافران خواستند پیغمبر را چشم‌کنند و گروهی از بنی‌اسد معروف به شورچشمی بودند و مردی میان آنها که به هرچه می‌نگریست و به چشم او خوب می‌آمد، نابود می‌شد و از این روی او را نمی‌گذاشتند از خیمه بیرون رود و اگر دلش تنگ می‌شد دامن خیمه بالا می‌کرد و اگر چهارپایی از جلو او می‌گذشت و به چشم او خوش می‌آمد حیوان بر زمین می‌افتاد. کلبی گفت قریش از او خواستند که برود پیغمبر را ببیند شاید چشم او به آن حضرت برسد. او رفت و مدتی به آن حضرت نگاه کرد. این آیه در آن هنگام نازل شد و پیغمبر سالم ماند (تفسیر عاملی، ج ۸: ۳۴۰).

خداوند این آیه را نازل کرد: «و ان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون» همچنین در تفسیر الصافی نوشته شده است: «در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طایفه بنی‌اسد کسانی بوده‌اند که آنها را «عیانین» می‌گفته‌اند. اینان به گونه‌ای بوده‌اند که کمتر کسی از خطر چشم‌زخمشان مصونیت می‌یافت. این افراد در صدد بودند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را با چشم‌زخم از پای درآورند. ولی مگر هیچ سببی بدون اذن خداوند می‌تواند تأثیر ببخشد؟! گفته شده است که آیه فوق به همین مناسبت نازل شده است» (بهشتی، ۱۳۸۰: ۵۴۹). «علامه مجلسی در بحار الانوار چشم‌زخم را نیز جزو جادو می‌شمارد و در استدلال بر این مطلب می‌نویسد: هنگامی که چیزی در نظر انسان خوب جلوه کند حواس او در آن چیز متمرکز می‌شود و این از قدرت روحی شخص است که در اشیا یا اشخاص تأثیر می‌کند. مرحوم مجلسی در جای



تصویر ۱۱. جام چهل بسم‌الله. مأخذ: موزه آستان قدس رضوی



تصویر ۱۲. قفل نظر قربانی. مأخذ: تناولی، ۱۳۸۵



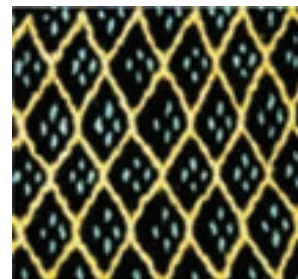
تصویر ۱۴. چشم جادویی شیشه‌ای. مأخذ: بروس میت فورد، ۱۳۸۸: ۸۳.



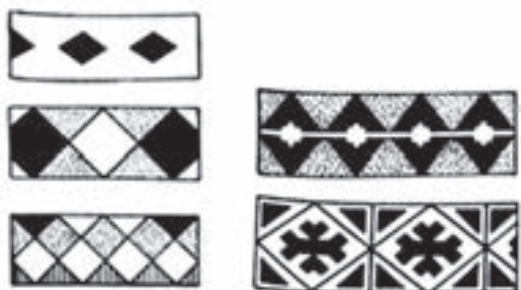
تصویر ۱۳. سنگ باباقوری به صورت گردنبند. مأخذ: www.parscloop.com



تصویر ۱۵. نقش گت لوزی، مازندران، مأخذ: همان



تصویر ۱۶. نقش چهار برج، مأخذ: همان



تصویر ۱۸. دُغاچیک (ترکمن) دعا؛ تعویذی. مأخذ: همای: ۵۹، ۵۶ و ۵۳: ۱۳۷۱ ب.



تصویر ۱۹. دُغا (ترکمن) دعا؛ تعویذی. مأخذ: همان: ۵۹، ۱۸.

(ص) فرمودند: چشم‌زخم حق است پس هر کس از سیرت و صورت برادر مسلمانش خشنود شد خدا را یاد کند، زیرا وقتی خداوند را به یاد آورد ضرری به برادر مؤمنش نمی‌رسد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۰).

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است: چشم‌زخم حق است. وقتی یکی از شماها به انسان یا حیوانی یا اشیایی دیگری که زیباست بنگرد و تعجب نماید بگوید: «آمنتُ بالله و صلی الله علی محمد و آله». پس از آن، اثر چشم‌خنثی می‌گردد (همان، ۱۴۰۳: ۱۸).

موارد دیگری که در روایات به آنها اشاره شده عبارت‌اند از: نوشتن سوره حمد و اخلاص و ناس و فلق و آیه الکرسی در برگی‌ای و به همراه داشتن آن. همچنین قرائت سه مرتبه ذکر «ماشاءالله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» به هنگام ترس از چشم خوردن یا چشم زدن (همان، ۱۴۰۳: ۲۶).

آرایه‌های چشم‌زخم

برای اجتناب از چشم‌زخم نزد عامه کارهایی متداول است مانند اسپند دود کردن، تخم مرغ شکستن، همچنین توسل به حرز و دعا و حتی در مواردی ساخت وسایلی مانند طلسم و تعویذ که در زیر به تعدادی از آرایه‌های تجسمی اشاره می‌کنیم.

دود کردن اسپند: اسفند، اسپند، سفند، سپند، سپنج، اسپنج گیاهی که دانه آن سیاه است و برای چشم‌زخم، مانند بخور می‌سوزانند؛ دارویی که آن را سداب کوهی یا هزار اسفند نیز گویند و همچنین بر کوهی در سیستان اطلاق می‌شود.

دانه اسفند را عوام به خصوص برای دفع چشم‌زخم، هنوز به کار می‌برند. نوزاد کوچک را وقتی نشان می‌دهند، هرکدام از حضار یک نخ از لباسشان می‌دهند تا آن را با اسفند دود



تصویر ۱۷. نقش چشم نظر، مازندران، مأخذ: سلیمانی ۱۳۹۳: ۹۶-۹۵.

دیگری می‌نویسد: انسان‌ها در قدرت روحی متفاوت هستند؛ آن‌ها که از قدرت روحی بالاتری برخوردارند با دیدن چیزی که توجه آن‌ها را به خود جلب می‌کند به خصوص دیدنی‌ها، روحش در آن چیز اثر می‌گذارد و بر اثر خباثت باطنی که برخی دارند ضرری بر آن وارد می‌کنند. پس تأثیر متعلق به روح فرد است، همان گونه که مرتاض با صرف اراده می‌تواند وسیله‌ای را از حرکت باز بدارد. این‌گونه اشخاص نیز با دیدن چیزی و جلب شدن توجهشان به آن می‌توانند در آن تأثیر بگذارند.

اما گروهی هم هستند که منکر چشم‌زخم شده‌اند و بر این باورند که اجزای تشکیل‌دهنده این جهان از جوهر است و جوهر در مثل خود اثر نمی‌گذارد. همچنین گفته‌اند که تأثیر یک جسم در جسم دیگر زمانی منطقی و پذیرفتنی است که با یکدیگر تماس داشته باشند و در مسئله چشم‌زخم تماسی در کار نیست تا بخواهد تأثیری داشته باشد. ابوعلی جیبانی از جمله کسانی است که چشم‌زخم را انکار کرده و آن را بی‌اساس دانسته و همچنین ابوهاشم و ابوالقاسم بلخی منکر قدرت تأثیر چشم شده‌اند و تغییر در چیزی را به سبب مصلحتی که خدا در آن می‌بیند می‌دانند (اکبر نژاد، ۱۳۸۸: ۶۹).

علامه طباطبایی نیز با توجه به رأی اکثر مورخین موضوع این آیات را در مورد چشم‌زخم تأیید می‌کند و می‌گوید چشم زدن نوعی از تأثیرات نفسانی است هیچ دلیل عقلی برای نفی آن نیست و روایاتی نیز بر طبق آن وارد شده است (علامه طباطبایی، ۱۳۷۰: ۸۶).

چشم‌زخم در روایات اسلامی

پیامبر (ص) فرمود: چشم‌زخم واقعیت دارد و مرد را در قبر و شتر را در دیگ قرار می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹).

از رسول گرامی اسلام روایت شده که روزی آن حضرت از قبرستان بقیع می‌گذشت. فرمود: به خدا قسم بیشتر اهل این قبرستان به سبب چشم‌زخم در اینجا آرمیده‌اند (کاشانی، ۱۳۱۴: ۳۹۱).

از امام صادق (ع) روایت شده است اگر قبرها شکافته شود، هر آینه می‌بینید که بیشتر مردگان به سبب چشم‌زخم مرده‌اند، زیرا چشم‌زخم حق است. آگاه باشید که پیامبر اکرم



تصویر ۲۰. دُغدن (تکه) داغ؛ دعا. مأخذ: همان: ۶۰-۵۸.



تصویر ۲۱. دُغدن (ترکمن) داغ؛ دعا. مأخذ: همان: ۶۰ و ۸۵.

قربانی کردن، نذر و نیاز در حد وسع و توانایی مالی، کمک به ایتام، فقرا و مسکینان از دیگر مواردی است که در جهت دفع چشم‌زخم مؤثر است.

همچنین وقتی فرد از کسی تعریف تحسین آمیز می‌کند غالباً در جواب او کلماتی هم چون «ماشاءالله»، «چشم‌بد دور» و چشم حسود کور و عبارت‌هایی از این قبیل بر زبان می‌آورند و یا خود فرد می‌گوید.

طلسم و تعویذ: برای طلسم و تعویذ می‌توان قدمتی و رای اسطوره‌ها قایل شد، زیرا اسطوره زائیده اجتماعات بشری بود، حال آنکه پیش از اجتماعات، زمانی که بشر با شکار زندگی خود را می‌گذاراند، از استخوان، پوست، دندان، پنجه و پر حیوانات را به خود می‌آویخت و یا در جایی حفظ می‌کرد و از آن چون طلسم و تعویذ بهره می‌گرفت، روالی که هنوز هم در برخی از مناطق دور افتاده ادامه دارد. هزاران سال پس از گذشت این مرحله و زمانی که بشر موفق به ساختن ابزار شد، به ساختن طلسم و تعویذ همت گماشت و هم‌زمان با اولین انقلاب صنعتی و ذوب فلزات، نوعی صنعت طلسمی به وجود آمد و اشیای فلزی ریزی برای آویختن به سر، گردن و دست ساخته شد تا مردم و دارایی‌های آن‌ها را از گزند حوادث مصون بدارد. این اشیاء که معانی و کاربردهایش بر ما معلوم نیست، در بیشتر تمدن‌های کهن و از جمله در ایران به فراوانی یافت می‌شود (تناولی، ۱۳۸۵: ۱۱؛ تصاویر ۵-۷).

تعویذ: شکل و کاربردی متفاوت از طلسم و دعا دارد و بیشتر برگرفته از اشیاء با نوشته یا بی‌نوشته است. به این گونه اشیاء نظر قربانی گفته می‌شود. نظر قربانی بیشتر برای حفظ کودکان از چشم بد است و متشکل از اشیایی چون صدف، حلزون، قطعه‌ای سنگ نمک، عقیق، چشم خشک‌شده گوسفند (تصویر ۸)، دانه اسفند و دندان برخی از حیوانات همراه مقداری منجوق است. این اشیاء و یا برخی از آنها اغلب با سنجاق قفلی به شانه‌ی چپ کودک و یا جلوی سربند دندان نوزاد نصب می‌شود (تصویر ۹). البته نظر قربانی انواع و اقسامی دارد و مصرف آن به مراتب فراتر از کودکان می‌رود. بسیاری از مردم به برخی اشیاء عقیده دارند و معتقدند برایشان

بکنند که بچه نظر نخورد. هنوز هم گاهی دانه‌های اسفند به رشته کشیده، زینت‌بخش خانه روستاییان است (یاحقی، ۱۳۸۶: ۱۲۰-۱۲۱؛ تصویر ۱).

آویختن مهره‌های مخصوص: آویختن مهره‌های آبی و سبز و کبود نیز که معمول‌ترین آنها به خرمره معروف است برای دفع ضرر شورچشمانی استفاده می‌شود که چشمانی به این رنگ‌ها دارند (افتخاری، ۱۳۹۲).

در کتاب اسدیان و در بخش باورهایی در مورد جامدات، نباتات و حیوانات آمده است: سنگواره‌ها را سوراخ می‌کنند و به مشک می‌بندند تا موجب برکت کره و دوغ شود و گاه به گردن چهارپای می‌اندازند تا چشم نخورد.

کوژه: خزف مهره‌ای است که آن را لعابی کبود یا فیروزه‌فام می‌دهند و از نوع درشت آن برای دفع چشم‌زخم حیوانات و از نوع ریز آن برای دفع چشم‌زخم بچه‌ها یاری می‌گیرند (اسدیان، ۱۳۸۵: ۲۳۳). آویختن تکه‌ای از چوب درخت تاویبی برای دفع چشم‌زخم چهارپایان استفاده می‌کنند (همان: ۲۳۴). همچنین از مهره‌هایی سیاه با خال‌های سفید نیز استفاده می‌شود.

سنگ عقیق: در گذشته اعتقاد داشتند کسی که عقیق همراه خود داشته باشد از خطر محافظت می‌شود و به افراد بی‌باک و نترس اعطا می‌شده است. محبوبیت عقیق بسیار شایع بود. در سودان طلسم عقیق سیاه با دایره سفید در اطراف آن، شبیه چشم، به نظر می‌رسید. به وسیله ارواح نگهبان و برای جلوگیری از تأثیرات چشم شیطان، حمل می‌شد (بروس میت فورد، ۱۳۸۸: ۴۵). در ایران نیز مهره عقیق با مشخصات مذکور به باباقوری معروف است.

نعل اسب: نعل اسب از جنس آهن چشم‌زخم را دور می‌کند و اگر روی در ورودی در بالاترین نقطه آویزان شود شانس را می‌گیرد و نگه می‌دارد و اگر آن را وارونه آویزان کنند در عین حال که بد شانس می‌آورد شانس را فراری می‌دهد (همان: ۸۳؛ تصویر ۳).

آویختن ادعیه و آیات قرآن: همچون «وان یکاد» و چل بسم الله مخصوصاً به گردن و دوش کودکان.



تصویر ۲۴. دُغَچِک (ترکمن) دعا؛ بازوبند.
مأخذ: همان: ۸۵، ۱۵۰، ۸۹.



۲۳. دُغَدَن (یموت) دعا؛ تعویذی، همان



تصویر ۲۲. دُغَدَن (یموت) داغ؛ دعا، همان



تصویر ۲۶. سَینَک (ترکمن) بازوبند؛ دعا. مأخذ: همان: ۸۶ و ۸۴.



تصویر ۲۵. آق نَقِیش (ترکمن) بازوبند؛ دعا.
مأخذ: همان: ۸۶.

و در بخش بیرونی آیه و آن یکا، اسامی دوازده معصوم، دعای نادعلی، آیه‌های قرآنی و دوازده صورت فلکی حکاکی شده است.

در لبهٔ باریک جام مدخل ریزی وجود دارد که چهل قطعه کوچک و باریک مستطیل‌شکل برنجی منقوش به کلمات «بسم الله الرحمن الرحيم» در بند به صورت کلاف در این مدخل قرار می‌گیرد (تصویر ۱۱).

در کتاب تهران قدیم در مورد چهل بسم الله این‌گونه نوشته شده است: «چهل بسم الله، چهل لوح کوچک از مفرغ و حلبی یا نقره و طلا که به هریک بسم اللهی کنده، جهت چشم و نظر به فاصله نخ کرده به‌طور حمایل به گردن طفل می‌انداختند (شهری باف، ۱۳۸۱: ۲۸۳).

قفل: به شکل‌های رایج و گاه تزیینی تابع شکل اصلی قفل است که بر برخی ادعیه و یا عباراتی جهت طلسم یا تعویذ حک شده است. علاوه بر حفاظت، قفل معانی و مفاهیم متعدد دیگری هم در فرهنگ ایران دارد. بیشتر این مفاهیم با عقاید مذهبی و باورهای مردمی همراه است.

در مورد قفل‌های طلسمی شاید بتوان گفت که بیشترین کاربرد آن‌ها انتقال نوعی ایمنی و اتکا به صاحب قفل و دور داشتن آن از چشم بدخواهان است. مهم‌ترین مثال در این مورد قفل‌های طلسمی موسوم به نظر قربانی است. این قفل برای دوری از چشم‌زخم، یا حفظ جنین، یا بستن دهان بدگویان به شکل گردنبند و یا آویز با فرد همراه می‌شود. حتی گاهی مادران این قفل‌ها را به قنداق و یا کلاه نوزاد

خیر، برکت و شانس به همراه می‌آورد (همان، ۱۳۸۵: ۶۱).
جام فلزی: همچنین جام‌های فلزی منقش به دعا و طلسم از قرون گذشته به جا مانده است. از مهم‌ترین این ظروف جام «چهل بسم‌الله» و جام «چهل کلید» است. این جام‌ها که به اندازهٔ جام معمولی است از جنس برنج است و داخل و خارج آن مستور از نوشته است.

بر جام چهل بسم‌الله، چهل بار جملهٔ «بسم الله الرحمن الرحيم» و «انا فتحنا لک فتحا مبینا» آمده است. برخی از جام‌ها به جام «قُل» شناخته شده‌اند زیرا بر آن‌ها چهار سوره‌ای که با قُل شروع می‌شود نوشته شده است. این کلیدها کلید واقعی نیست، بلکه شبیه کلید است و بر آن‌ها کلمات «نصر من الله» و یا «انا فتحنا لک فتحا مبینا» حک شده است (تصویر ۱۱).

جام‌های چهل بسم‌الله و چهل کلید از جمله ابزار گران‌قیمت طلسمی به شمار می‌آمد. همچنین این جام‌ها در زمرهٔ قدیمی‌ترین ابزار طلسمی به حساب می‌آید و نمونه‌های آن از آن قرن هفتم هجری به بعد به جا مانده است. نمونه‌های به‌دست‌آمده علاوه بر ایران، برخی از سرزمین‌های دیگر اسلامی از جمله سوریه، عراق و مصر را در بر می‌گیرد (همان: ۷۹-۸۰). تصویر ارائه‌شده در این مقاله از جامی است که در موزهٔ مردم‌شناسی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. این جام از جنس برنج است. در بخش داخلی این جام کتیبه‌هایی با متن آیهٔ الکرسی، انا فتحنا، سورهٔ حمد، سورهٔ نصر، سورهٔ ناس و سورهٔ قارعه مشاهده می‌شود



تصویر ۲۳. فرش شیر قشقایی، قرن ۱۹. مأخذ: Opie, 1992: 37



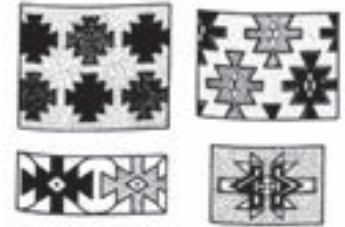
تصویر ۳۲. طرح بته. مأخذ: Ford, 1981: 52



تصویر ۳۰. بازوبندی، مأخذ: شعبانی خطیب، ۱۳۸۷: ۲۱۲.



تصویر ۳۱. شیردنگ، چهارمحل بختیاری. مأخذ: نگارنده.



تصویر ۲۷. دُغاچیک (ترکمن) بازوبند؛ دعا. مأخذ: همان: ۸۲.



تصویر ۲۸. تعویذی، مأخذ: حصوری، ۱۳۷۱ الف: ۶۵



تصویر ۲۹. دودنی. مأخذ: همان: ۷۱.

باباغوری (باباقوری): «باباقوری (قوری، غوری) نوعی مهره مدور سیاه و سفید به شکل و رنگ چشم گوسفند مرده است که برای دفع چشم‌زخم بر کودکان آویزند و گاه برای زینت بر خود نهند. در اصطلاح کانی‌شناسی، نوعی کوارتز نهان بلور است که با عقیق تفاوت دارد و به سنگ سلیمانی نیز معروف است. همچنین بر نوعی کوری که چشم آماسیده و به رنگ چشم گوسفند مرده می‌شود نیز اطلاق شده است» (یاحق، ۱۳۸۶: ۱۸۷).

کچک: نوعی صدف که آن را برای دفع چشم‌زخم روی بسیاری از بافته‌ها مانند خورچین، کیسه جل و زنجیری می‌دوزند (حصوری، ۱۳۷۱ ب: ۷۸).

نمادهای چشم‌زخم در دستبافته‌ها

از قرن هشتم میلادی، در سرزمین‌های گلیم‌باغان، نوعی نگرش واحد در خلاقیت هنری و فنی پدید آمده که از پذیرفتن دینی واحد در میان مسلمین، چه شیعه و چه سنی، نشئت گرفته است. پیش از آن شمن‌گرایی، جاندارگرایی، یهودیت، مسیحیت، بودیسم و غیره متداول بوده است. اعتقادات جدید با دربرگرفتن و شاید هم تصحیح برخی از اعتقادات ادیان گذشته هویت تازه‌ای در انزهان مردم پدید می‌آورد. اینک اسلام، مسیحیت و بودیسم، ادیان اصلی کشورهای بافنده بوده، نمادها و نگاره‌هایی مربوط به این ادیان عمیقاً در افکار خلاقانه بافندگان نفوذ کرده است. گرچه این نگاره‌ها به مرور زمان معانی خود را از دست داده‌اند، مع‌هذا در فرهنگ و

خود سنجاق می‌کرده و یا بر گردن و لباس کودک خود می‌آویختند و در حقیقت می‌خواستند وجود کودک و یا خود را به روی شیاطین، اجنه، حسودان و بخیلان قفل کنند و از چشم بد مصون دارند (تناولی، ۱۳۸۵: ۸۳).

چشم جادویی: اعتقاد به چشم شیطان (چشم‌زخم) در مدیریتانه و خاور نزدیک بسیار معمول است. تصور می‌کنند که طلسمی به شکل چشم، چشم شیطان را دور می‌کند و یا نگاه‌های بد با مقاصد پلید را منحرف می‌کند. این‌گونه طلسم‌ها اغلب از شیشه و به شکل چشم واقعی ساخته می‌شدند (بروس میت فورد، ۱۳۸۸: ۸۳؛ تصویر ۱۴).

چشم‌مارو: چشم‌مارو، چشم‌اروی، چشم‌آور، چشم‌پنام، حرز و تعویذ، به هر چیزی گویند که برای دفع چشم‌زخم باشد. چنان‌که در برخی شهرها و روستاهای خراسان موسوم بوده، چشم‌مارو به معنی اخص کوزه یا سفالی است که بر روی آن چشم و روی آدمی به زیبایی تمام بکشند و آن را با پارچه رنگین بیاریند و برای دفع چشم‌زخم از اهالی خانه یا اموال و املاک در آن سکه‌های سفید و سیاه بریزند و آن را چهارشنبه‌سوری از بام خانه به کوچه پرتاب کنند تا بشکند و منتظران و عابران سکه‌هایش را بردارند. هنگام انداختن کوزه و شکستن آن معمولاً نیت می‌کنند که «چشم بد همانند این کوزه در هم شکسته باد.» باور به چشم‌مارو در شهرهای جنوب خراسان هنوز هم کم و بیش وجود دارد. مثلاً در فردوس، آن را چشم‌مارق گویند و برای دفع چشم‌زخم از آن استفاده می‌کنند (یاحق، ۱۳۸۶: ۳۰۱).



تصویر ۳۶. ترکمن (عرب)، شطرنجی. مأخذ: حصوری، ۱۳۷۱ الف: ۱۰۶.



تصویر ۳۵. تک‌گل یا گل‌گرده، قالی بختیاری. مأخذ: همان: ۲۰۹.



تصویر ۳۴. گل شطرنجی پله‌ای. مأخذ: شعبانی خطیب، ۱۳۸۷: ۲۲۴.



تصویر ۳۹. نگاره ستاره هشت‌پر آذر بایجان با چلیپاهایی در مرکز. مأخذ: همان: ۷۸.



تصویر ۳۸. نگاره چشم‌زخم، مأخذ: هال، ۱۳۷۷: ۷۹.



تصویر ۳۷. گلک، قالی سیستان، مأخذ: شعبانی خطیب، ۱۳۸۷: ۲۱۲.

دستبافته‌های مازندران

برخی نگاره‌ها در دستبافته‌های منطقه مازندران بیان‌کننده مفهوم حراست و نگهبانی از محیط خانواده و زندگی را دارند مانند پیچ‌چنگ، ورگه چنگ، دندان اسب، رد پای گرگ، دم روباه. اما نقشی که برای محافظت از چشم‌زخم است نقشی برگرفته از شکل چشم یا لوزی است، معروف به گت لوزی (لوزی بزرگ) و چهار بُج یا چهار برج که چهار لوزی با نقطه‌ای رنگی در میان آن است و در چند ترکیب نقش می‌شود. همچنین نقش دیگری به نام چشم نظر نیز دارند که آن هم از چند لوزی تودرتو شکل گرفته است (سلیمانی، ۱۳۹۳: ۹۵-۹۶؛ تصاویر ۱۵-۱۷)

نقوش فرش ترکمن

ترکمن‌ها قبیله‌هایی ترک هستند که هم اکنون در شمال ایران، شمال افغانستان و شرق دریای خزر در جمهوری‌های تازه مستقل ترکمنستان و ازبکستان زندگی می‌کنند. این مردم، اگرچه اصالت خود را حفظ کرده‌اند، سنت‌های فراوانی را چه در جنگ‌های قبیله‌ای، چه در جنگ با همسایگان و چه تحت تأثیر فرهنگ‌های مسلط همسایگان از دست داده‌اند، به طوری که پیگیری تاریخ آنها کار آسانی نیست. این قوم بیش از هر کالایی به فرش‌های خود علاقه‌مند بوده و آنها را به شکل‌ها و اندازه‌های گوناگون بافته‌اند تا نیازهای متنوع زندگی کوچ‌نشینی و نیمه‌کوچ‌نشینی را برآورد و نمادهای آن نوع زندگی را یادآوری کند. همچنان‌که در مورد تاریخ هیچ قبیله‌ای نمی‌توان با اطمینان

سنت قبیله جایگاه ویژه خود را دارند. خرافات، نمادهای تصویری و معتقدات مربوط به نگاره‌های گوناگون، با نقل سینه به سینه طی نسل‌های پیاپی تغییر می‌یابد، پیچیده‌تر می‌شود و مانند دیگر رسوم قبیله جزئی از افسانه‌ها و فرهنگ بومی می‌گردد.

با از میان رفتن معانی اصلی، نگاره‌ها نامی تازه که مربوط به نمادهاست و صرفاً جنبه تصویری دارد بر خود می‌نهد (هال، ۱۳۷۷: ۶۸-۶۹).

بسیاری از اعتقادات دوران باستان، خرافات و عقاید عامیانه در میان روستاییان و عشایر برجا ماند و در نقوش گلیم همچنان پایدار مانده است بی آنکه برای کاربران امروز شناخته شده و یا معنای گذشته را داشته باشد.

در پاره‌ای از دست‌بافته‌های گلیمی، سوای نمادها و نگاره‌های گوناگون، انواع پیام‌های تصویری به صورت اعداد و الفبای عربی نیز مشهود است. تا اواسط این قرن بافنده‌های ایرانی تحت تأثیر نگاره‌های سنتی و اجدادی بوده‌اند. این نقش و نگارها به‌رغم فشارهای سیاسی که سبب مهاجرت‌های اجباری و فروپاشی اجتماعات عشایری بوده هنوز پابرجاست. طی قرن‌ها، شیوه زندگی صحرائنشینان و روستاییان بافنده تغییر بسیار ناچیزی داشته است و تاریخشان نسل به نسل و سینه‌به‌سینه به‌وسیله آوازهای کهن سالان و ترانه‌ها، سرودها و اورادشمن‌ها نقل شده است. پیشینه این مردمان چون راه دیگری برای ثبت تصویری تاریخ شان نمی‌شناخته در علایم رمزی گلیم‌هایشان نقش شده است (همان: ۷۵).

(همان: ۷۱).

همچنین طرح ۲۹ به نظر قربانی نیز معروف است و در اکثر روستاهای ترکمن، بلوچ، کرد و بختیاری و مخصوصاً زیورآلات ترکمن دیده می‌شود (گلاک، بی تا: ۳۳۷).

شیردنگ در چهارمحال بختیاری: نگارنده در سفری به منطقه دشت زری در چهار محال بختیاری آذین دیگری از چشم‌زخم در میان اقوام بختیاری مشاهده کرد. این دستبافته به شیردنگ معروف است و شامل رشته باریک بافته شده با منگول‌های رنگی و گاه مهره‌های آویخته از آن است که انتخاب رنگ و فرم خاصی در آن مد نظر نیست. این آذین در چادرهای عشایری بسیار دیده می‌شود. برای رفع چشم‌زخم نیز معمولاً مادر (یا فرد دیگر) برای جهیزیه عروس نیز آنرا می‌بافند درحالی‌که در حین کار بی‌وقفه سوره توحید را می‌خوانند و صلوات می‌فرستند. این رشته طولانی از در و دیوار ساختمان یا اتاق آویخته می‌شود یا آن را در وسایل شخصی (مانند ماشین) برای مراقبت از چشم‌زخم نگه می‌دارند. (تصویر ۳۱)

طرح بته: این نقشمایه قدیمی نمونه‌ای عالی است از اینکه چه طور یک ایده اصلی می‌تواند به صورت‌های مختلف توسط بافندگان متفاوت تفسیر شود. میزان استفاده از آن به طور کلی از حد نقوش هندسی و گردان فراتر می‌رود و همچنین این نقش در خانه‌های مردم مناطق ترک‌زبان از جمله همدان به همان اندازه مناطق فارس‌زبان مثلاً قم است.

این نقشمایه همیشه با نام فارسی «بته» شناخته می‌شود، که معنای یک دسته برگ یا بوته می‌دهد. اغلب بته میری نیز خوانده می‌شود که به معنای گیاه شاهانه است.

بنا به نظریه‌ای، فرم بته‌ای که ما امروزه می‌شناسیم به معنی چشمان تصنعی است و از خرافات قدیمی در آسیا مربوط به «چشم شیطانی» نشئت گرفته است. مدارک زیادی درباره قدمت استفاده از نقشمایه‌های چشم برای دور کردن ارواح شیطانی وجود دارد. دو نمونه از بهترین گونه‌های شناخته شده در یونان قدیم یافت شده‌اند. نمادهای چشم به‌عنوان تزیین روی لوازم زیادی دیده شده‌اند از کشتی ادیسه گرفته تا گلدان‌های متعلق به قرن ششم پیش از میلاد و افسانه هرا، کسی که صدها چشم از آرگوس را روی دم طاووس قرار داد (ford, 1981: 52-53).

طبق نظریه طلسم، چشم همان شکل ساده شده بته در هنرهای تزیینی است. مشکل نظریه طلسم این است که سیر نقشمایه چشم‌زخم به بته در آن ثابت نشده است. ممکن است فرم‌های بته را در شکل‌های تزیینی منحنی خاص ببینیم. همچنین S. V. R. Cammann استدلالی جالب برای ریشه مذهبی و اسطوره‌ای بسیاری از نقش‌مایه‌های فرش ثابت کرد. او می‌گوید که بته فرمی از پرندۀ خورشید و آفریده‌ای رمزگونه است که از ورودی بهشت در اسطوره‌های شرقی اسلامی و قبل از اسلام نگهبانی می‌کند (ford, 1981: 54).

قابل ذکر است که در کتاب یاحقی در مورد طاووس این چنین



تصویر ۴۰. نگاره قلاب. مأخذ: همان: ۸۰

سخن گفت، بیان تاریخ قالی ترکمن نیز خالی از اشکال نیست. الگوی کلی قالی ترکمن نشان از تحولات شدید ندارد، زیرا به صورت نقش‌های تکراری باقی مانده است. این نقش‌ها در ایران بیش از ششصد سال سابقه دارند و در بسیاری از مینیاتورهای قرن هفتم هجری به بعد منعکس شده‌اند. از آنجا که کهن‌ترین قالی به دست‌آمده جهان نیز دارای نقش‌های تکراری است، باید پذیرفت که نقش‌های ترکمنی در یک مرحله‌ای ابتدایی باقی مانده‌اند (حصوری، ۱۳۷۱: ۷-۱۲).

ترکمن‌ها گل‌های اصلی قالی خود را نام‌هایی داده‌اند که صورت و معنی مهم‌ترین آنها مسائل بسیاری را روشن می‌کند. در نقوش متعدد از جمله گولی گول (نقش گل با گل‌های ریز)، آینا (نقش آینه) یکی از مهم‌ترین نقوش ایشان دُغا (طلسم یا دعا) نام دارد که به‌عنوان تعویذ شناخته شده و از تنوع بسیاری نیز برخوردار است.

«نقوش سیرغا (گوشواره) یکی هستند و همه از انواع تعویذ (دعای بازوبندی برای دفع چشم‌زخم) و امثال آن گرفته شده‌اند و القم و دغا را به خاطر می‌آورند» (همان: ۳۱؛ تصاویر ۱۸-۲۷).

فرش سیستان

«تعداد نقش مایه‌های مشترک بین سیستان و ترکمن‌ها بیش از آن است که در آغاز تصور می‌شود. در مقایسه سطحی شباهتی بین هنر این دو قوم وجود ندارد اما بررسی عمیق تر، گاه نتایج شگفتی به بار می‌آورد. ترکمنان در طول تاریخ آنچه را از همسایگان گرفته اند چنان رنگ بومی و خودی زده اند که تاکنون برگردان آن‌ها به مأخذ اصلی امکان پذیر نشده است» (حصوری، ۱۳۷۱: ۴۸). در اینجا فقط به نقوشی از فرش سیستان می‌پردازیم که به‌عنوان چشم‌زخم استفاده می‌شده است.

تعویذی: حاشیه یا نقش‌مایه‌ای به شکل تعویذ که یک مستطیل یا پنج ضلعی است با نقش‌ها و زایده‌های گوناگون (همان: ۶۵؛ تصویر ۲۸).

دودنی؛ دودنید: نقش‌مایه قالی شبیه گوشواره‌ای مثلثی با چند رشته آویزه (تصویر ۲۹)، که گرفته از شکل آویزی است از غوزه‌های اسفند (تصویر ۱) و برای دفع چشم‌زخم در بسیاری از نقاط ایران در خانه و مغازه آویخته می‌شود



مجموعه تصاویر ۱، ۴۱. متعلق به شهر ۲. YOROK (متعلق به شهر ۳. YAGCIBEDIR) متعلق به شهر ۴. TASPINAR (متعلق به شهر ۴. MILAS. مأخذ: ATEŞ, 1997)

برای این منظور، خرمهره، که نظر قربانی خوانده می‌شود، متداول‌ترین طلسم است. اما اشیای دیگری نیز مانند نقره، طلا، دیگر فلزات و همچنین خردل وحشی، سیر، لاک پشت و انواع صدف مؤثر تشخیص داده شده است. تعویذ طلسم نوشته‌شده‌ای است که در جلدهای مثلثی نگاه می‌دارند و قدرت مذهبی سحرآمیزی در مقابل چشم‌زخم دارد. از آنجا که هنوز ترس از چشم‌زخم وجود دارد، بسیاری از نگاره‌های گلیم مردم را در مقابل آن محفوظ می‌دارد و با در نظر گرفتن طرح‌های توتمی آن‌ها پاره‌ای از گلیم‌های کهن، چنین که پیداست بدین منظور بافته شده است.

نظر قربانی: نظر قربانی به شکل دیوار آویزهای مختلف ساخته می‌شود، معمولاً به شکل نمدی است که با پارچه پوشانده شده و با صدف، دکمه، سکه، مدال، قطعات قدیمی وسایل مختلف، آیینه‌ها، گلیم‌پاره‌ها و قالی تزیین شده و به اشکال گوناگون گرد، بیضی یا گلابی ساخته می‌شود. در قسمت پایینی برخی از تعویذهای دیواری نوارهایی بافته شده و از بدنه اصلی آن منگوله‌های پشمی آویزان است. آن را گاه با تکه‌های رنگی سرامیک یا شیشه می‌سازند و یا نخودهایی را به شکل مثلثی نخ کرده و از تکه چوب باریکی آویزان می‌کنند و نوارهای پارچه‌ای و پشمی رنگینی به آن می‌افزایند.

نگاره چشم‌زخم: معمولاً این نگاره الماسی شکل است اما گاه به شکل مربع یا مثلث نیز دیده می‌شود (تصویر ۳۸) **چلیپا:** نگاره‌ای بسیار کهن که قدمت آن به دوران پیش از مسیحیت می‌رسد و برای ایمنی از چشم‌زخم به کار می‌رود زیرا ترکیب صلیبی آن از نیروی چشم‌زخم می‌کاهد (تصویر ۳۹).

قلاب: نگاره دیگری برای ایمنی در مقابل چشم‌زخم (هال، ۱۳۷۷: ۷۷-۷۹؛ تصویر ۴۰).

راه مقابله با چشم‌زخم یا چشم شیطانی همان چشم است. «این چشم معمولاً به صورت اشکال هندسی بافته می‌شود که از بخشی به بخش دیگر متفاوت است. این چشم به صورت یک نقطه نشان داده می‌شود که در میان یک مثلث، مربع، چهارگوش یا متساوی‌الاضلاع قرار دارد (که گاه متساوی‌الاضلاع توسط علامت به علاوه به چهار قسمت تقسیم می‌شود) یا در زیر یک ابروی تیز قرار دارد» (ates, 1997: 41).

گفته شده است: «با همه زیبایی، او را به فال بد گیرند و شاید سبب آن باشد که او را مسبب دخول ابلیس به بهشت به هنگام فریفتن آدم و حوا دانسته اند» (یاحقی، ۱۳۷۵: ۲۹۳). همچنین لکه‌های چشم مانند دم طاووس را در آیین بودا سمبل هشیاری و هر پر آن به خاطر داشتن چشم شیطانی نمادی از بدشانسی می‌دانند (میت‌فورد، ۱۳۸۸: ۶۹). با توجه به این افسانه‌ها آیا می‌توان شکل دم طاووس را در برخی از فرش‌ها نماد چشم‌زخم دانست؟ در نمونه فرش‌های متعلق به ایل قشقایی (تصویر ۳۳) دم طاووس به شکلی طراحی شده که ایرانیان آن را نماد چشم‌زخم می‌دانند. همچنین این شکل قابل تطبیق با نقشی مثلثی شکل در فرش کشور ترکیه است که در کتاب فرش‌های ترکی ۱ به عنوان نماد چشم‌زخم معرفی شده است (شماره ۱ از مجموعه تصویر ۴۲).

شاید بتوان گفت طاووس به سبب اینکه حیوانی با نمادهای متفاوت است در هر طرح، بنا به نوع طراحی معنای آن، تغییر می‌کند و در اینجا این امکان وجود دارد که معنای چشم‌زخم آن مدنظر باشد.

نقوش مشابه در دستبافته‌ها با نامی دیگر

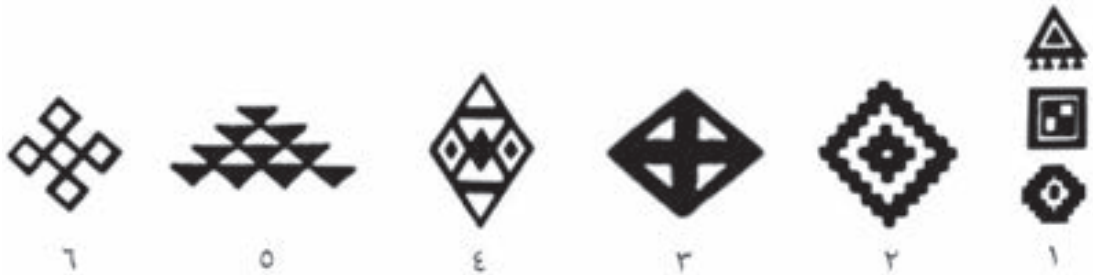
گل‌گرده یا تک‌گل و گل شطرنجی: این دو نماد شباهت زیادی با نماد مهره چشم در فرش ترکیه (تصویر ۲) از مجموعه تصویر ۴۲) دارد.

گلک: این نقش (تصویر ۳۷) شباهت زیادی به فرم چشم و نقش ۱ از مجموعه تصویر ۴۱ در فرش ترکیه دارد، با این تفاوت که به صورت عمودی طراحی شده است.

نمادهای چشم‌زخم در دستبافته‌های ترکیه

برای تکمیل بحث به جاماندن نقش چشم‌زخم در دستبافته‌های اقوام، به دلیل همجواری اقوام ترک ایرانی با ترک‌های منطقه آناتولی و شباهت بسیار اعتقادات و نگاره‌های ایران با آن، لازم است نقوش چشم‌زخم در این منطقه نیز معرفی شود.

تعویذ و چشم‌زخم: در اعتقادات آناتولی، نگاه اشخاص می‌تواند بکشد، زخمی کند یا بدبختی بیافریند. از آنجا که چشم انسان سرچشمه نظر بد است بهترین پیشگیری نیز ترسیم یک چشم است. نقوش رسم‌شده از چشم، تأثیر چشم‌زخم را خنثی می‌کند و مردم را در مقابل آن محفوظ نگاه می‌دارد.



مجموعه تصویر ۴۲ (۱) متعلق به شهر ۲ (SIRVAN) متعلق به شهر ۳ (NIGDE KARS) متعلق به شهر ۴ (NIGDE KARS) متعلق به شهر ۵ (KARS) متعلق به شهر ۶ (BASMAKCI) متعلق به شهر SINDIRGI. مأخذ: ۱۹۹۷، ATEs

مهره چشم: معمولاً انواع مختلفی از طلسمها بر روی شانه، گردن و گهواره نوزادان و هم چنین داخل و خارج از منازل به عنوان حفاظت در برابر این چشم قرار داده می شود. این طلسمها معمولاً به شکل یک چشم درون قالی بافته می شود که به صورت یک نقطه سفید در زمینه آبی یا یک مثلث در میان زمینه اصلی است.

نتیجه

با توجه به بررسی های انجام شده، به نظر می رسد باور به چشم زخم در اکثر فرهنگها و از دوران باستان تاکنون در میان اقوام مختلف دیده می شود و میان مسلمانان با اعتقادات دینی و برخی تفاسیر بر آیات قرآن تقویت شده است. از این رو برای رفع چشم زخم تدابیری اندیشه شده که گاه به شکل نگاره ها و نقوش و یا آرایه هایی در غالب اشیا تجسم یافته و به کار می رود. اشیا و آرایه های ویژه چشم زخم دارای تنوع در شکل و مواد ساخته شده هستند و حتی صنعت فلز ریزی دوران معاصر را به خدمت گرفته اند. اشیای ویژه چشم زخم بیشتر در دست ساخته های فلزی و برخی سنگها و مهره ها دیده شده و گاه آمیخته با ادعیه و اوراد و آیات مقدس است. به نظر می رسد در شکل آرایه ها و اشیایی که به عنوان چشم زخم استفاده می شود تنها شکل تکرار شونده شکل لوزی و مثلث یا دایره مرکزی است و اشیای مربوط به چشم زخم در اشکال متنوع و گاه با حروف و اعداد و اوراد عرضه می شود و بیشتر ویژگی های اعتقادی و به اصطلاح نظری را در خود ثبت کرده اند. اما نگاره های دستبافته ها، عاری از جنبه های نظری، اشکال بصری را که تابع شکل چشم انسان است را در خود دارند. از آنجاکه این اعتقاد به ویژه در میان عامه مردم دارای نفوذ بسیار است در هنر فولکور یا عامیانه به ویژه در دستبافته های روستایی و قومیت های مختلف نقوشی برای محافظت از چشم زخم به شکل تعویذ در میان دیگر نقوش در گلیم، فرش و دیگر دستبافته ها تعبیه و نقش بسته است. این نقوش بسیار نهادینه شده و چه بسا برخی از آنها امروزه بر بافنده ناشناخته است، اما نام برخی از این نقوش مستقیماً به چشم نظر و تعویذ و دعا اشاره دارد.

نگاره های چشم زخم در دستبافته ها و در نقوش فرش و گلیم و جاجیم به اشکال هندسی تبدیل شده است که می توان گفت تابع شکل چشم انسان است و اغلب در اشکال لوزی و مثلث و گاهی مربع طراحی شده است. رنگ در این رابطه شکل ثابت و نقش مهمی را ندارد اما می توان گفت در ترکیب بندی نقش و فرم و رنگ نقوش، مرکزیت در میان سطوح لوزی و مثلث بیشتر استفاده شده است که آن نیز یاد آور شکل چشم است. علاوه بر آن می توان یاد آور اهمیت نقش و طرح دستبافته های روستایی و عشایری به عنوان محمل هنر عامیانه و اعتقادات مردمی و سنتی بود.

منابع و مآخذ

- اسدیان خرم‌آبادی، محمد، باجلان فرخی محمدحسین، و کیانی منصور. ۱۳۸۵. *باورها و دانسته‌ها در لرستان و ایلام*. فرهنگ و آموزش عالی، تهران.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. ۱۳۷۲. *داستان داستان‌ها*. تهران: آثار.
- اکبرنژاد مهدی، و محمدی، روح‌الله، ۱۳۸۸. «کنکاشی در مقوله شور چشمی (چشم‌زخم) در قرآن و روایات»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۲.
- بروس میت فورد میراندا. ۱۳۸۸. *فرهنگ مصور نمادها و نشانه‌ها در جهان*. ترجمه ابوالقاسم دادور و زهرا تاران. تهران: شاد رنگ.
- بهشتی، احمد، ۱۳۸۰. «تحلیل معجزه با نگاهی به تأثیر نفس در بدن»، نشریه مکتب اسلام، ش ۸.
- تناولی پروین، ۱۳۸۵. *طلسم، گرافیک سنتی ایران*. تهران: بنگاه
- حصوری علی. ۱۳۷۱ الف. *فرش سیستان تهران: فرهنگان*.
- حصوری علی. ۱۳۷۱ ب. *نقش‌های قالی ترکمن و اقوام همسایه*. تهران: فرهنگان.
- ده بزرگی، ژیل، ۱۳۸۱. «چشم‌زخم در باور فرهنگ ایرانیان». *چیستا*، ش ۱۹۶ و ۱۹۷.
- سلیمانی، سیما، ۱۳۹۳. *نشانه‌شناسی نقوش بافته‌شده در زیراندازهای مازندران (با تأکید بر شهرهای بهشهر، سوادکوه، تنکابن)*. به راهنمایی دکتر آناهیتا مقبلی و مشاور دکتر عفت‌السادات افضل طوسی. دانشگاه پیام نور شرق تهران.
- شعبانی خطیب، صفرعلی. ۱۳۸۷. *فرهنگنامه تصویری (آرایه و نقشه فرش‌های ایرانی)*. قم: سپهر اندیشه.
- شهری‌باف، ۱۳۸۱. *طهران قدیم*. تهران: معین.
- صابری افتخاری، عارفه. ۱۳۹۲. «باور به وجود نیروی فوق طبیعی در اشیا در فرهنگ عامه مردم ایران». مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (بازبینی: ۱۰ شهریور ۱۳۹۳): www.cgie.org.ir/fa/ ۸۲۹۰/news
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۰. *تفسیر المیزان*، ج ۲۰. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجا.
- عاملی، ابراهیم، ۱۳۸۰. *تفسیر عاملی*. ترجمه علی‌اکبر غفاری.
- کاشانی، فتح‌الله ب، ن شکرالله. ۱۳۱۴. *تفسیر منهج الصادقین*. تهران.
- گلاک، جی - گلاک، سومی هیرا موتو. ۱۳۵۵. *سیری در صنایع دستی ایران*. تهران: بانک ملی ایران.
- ماسه هانری، ۱۳۵۷. *معتقدات و آداب ایرانی*. ترجمه مهدی روشن‌ضمیر. تهران: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳. *بحار الانوار*، ج ۶۰. بیروت: موسسه الوفا.
- محمدی، هاشم. ۱۳۸۶. «چشم‌زخم در ادب و فرهنگ ایران». *نشریه حافظ*، ش ۴۴.
- مشیری تفرشی، منیژه. ۱۳۸۸. «چشم‌زخم در باره جامعه امروز»، *نشریه چیستا*، ش ۲۵۸ و ۲۵۹.
- معین، محمد، ۱۳۵۴. *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- هارت، جرج، ۱۳۷۷. *اسطوره‌های مصری*. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز.
- هال، آلستر، لوچیک جوزه، یووسکا، ۱۳۷۷. *گلیم (تاریخچه، طرح، بافت و شناسایی)*. ترجمه شیرین همایون‌فر و نیلوفر الفت شایان. تهران: کارنگ.
- هنری، مرتضی، ۱۳۷۷. *نوروزگان، گفتارها و سرودهایی در آیین‌های نوروزی*. تهران: سروا.
- یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۷۵. *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*. تهران: سروش.
- یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۸۶. *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر.



- Ates Mehmet. 1997. *Turkish carpets*. yeni alas matbaast.
- Ford P. R. J. 1981. *Oriental carpet design*. London: Thames and Hudson.
- Callisen S. A . 1937. "The Evil Eye in Italian Art", *The Art Bulletin*. No 3.
- Opie James. 1992. *Tribal Rugs*. London: Laurence King Publishing.
- www.nooraghayee.com
- www.yasdesign.blogfa.com

Archive of SID